

آیت الله سید علی میلانی (دامت برکاته)

در دیدار با محققان مؤسسه دارالاعلام مدرسه اہل البیت علیہ السلام

مہمتر تحقیقات کا نتیجہ علوم اسلامی  
اہمیت پر واضح سن بہ مسائل و سہات و ہامیان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف بريته محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين. قال الله عز وجل: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾.<sup>۱</sup> این آیه مبارکه، مفید توصل است و خیلی ظرافت دارد. می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ﴾. اگر انسان به خودش ظلم بکند، باید استغفار کند، حتی کمترین معصیت ظلم است. گناهان صغیره نیز در حدّ خودشان ظلم اند. بنابراین حتی در ظلم هایی که به نظر نمی آید، انسان باید استغفار کند. روایت هم وارد شده که انسان نباید ذنب را کوچک بشمارد. خود استغفار ذنب، شاید معصیت کبیره باشد. پس اگر انسان کمترین ظلم در حقّ خودش بکند، ولو کمترین گناه که بر آن عنوان ظلم صدق کند، باید استغفار کند. آیه مبارکه می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ﴾. اگر گناه کردند، خدمت رسول الله ﷺ بروند. فاستغفروا الله، با «فاء» تفریح آمده است. استغفار و طلب مغفرت از باری تعالی در حضور رسول الله ﷺ باشد. این هم کافی نیست، بلکه ﴿وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾، از رسول الله نیز درخواست کنند که او

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

هم برای آنها استغفار کند. آن وقت جواب می‌گیرند: ﴿لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ خوب این بیان قرآن است. و از آن طرف، باز هم از خود قرآن استفاده می‌کنیم که اساساً توسل یک اصل ارتکازی است. داستان اولاد یعقوب، کسی به اینها نگفته بود از پدرشان بخواهند که برایشان استغفار بکند، خودشان آمدند، و گفتند ﴿يَتَأْبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا﴾ این امر، امر ارتکازی است. چرا خودشان مستقیماً از خداوند متعال طلب آمرزش نکردند؟ از اینکه نزد پدر رفتند و تقاضای استغفار کردند، معلوم می‌شود که توسل به یک وجود شریف و عزیز و به سراغ انسان وجیه رفتن و او را واسطه قرار دادن، امری ارتکازی است.

قرآن نفرموده است که کسی به آنها گفته باشد نزد پدر بروید. بلکه می‌توانم ادعا کنم که توسل حتی در حیوانات وجود دارد و امری است غریزی. ما در روایات داریم که حیوانات به ائمه علیهم‌السلام متوسل شدند و بعضی از این روایات سنداً معتبرند. برای مثال امام رضا علیه‌السلام نشسته بودند، پرنده‌ای آمد و خیلی سروصدا کرد. کسی در آنجا نشسته بود. امام به آن شخص فرمود چوب یا چیز دیگری بردارد و برود ماری را که به لانه آن حیوان رفته، دفع کند؛ چون این پرنده به امام پناه آورده بود و از این حیوان شکایت می‌کرد. حالا باید در کتب دیگران هم تفحص کنیم و ببینیم که آیا حیوانات به پیغمبر اکرم یا به اولیای خدا متوسل شده‌اند.

به هر حال توسل، امری ارتکازی نزد عقلاست و من معتقدم وهابی‌ها با توسل مبارزه نمی‌کنند، بلکه فی‌الواقع با متوسل به مبارزه می‌کنند. اینها نمی‌خواهند در جامعه مسلمین کسانی وجود داشته باشند که نزد مسلمین عندالله، شأنی داشته باشند. در واقع با خود پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با ائمه اطهار و اولیای خدا دشمنی دارند، اینها صاحب مکتبی باشند؟ ابداً چنین نیست. کدام مکتب و کدام اعتقاد، در مقابل قرآن ارزش دارد؟ آنها اغراض دیگری دارند، والا قرآن مجید در موارد کثیر به استغفار امر کرده. این آیه

برای چه آمده؟ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾ بنابراین در کوچک‌ترین گناهان باید به پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوسل بشویم و او را واسطه قرار دهیم و از آنجا که ادله کثیر داریم کتاباً و سنتاً، شیعتاً و سنتاً که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امت را بعد از خودشان به اهل بیتشان ارجاع دادند، پس در این جهت هم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام با پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شریک‌اند و انسان باید نزد امامی از ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام برود و در آنجا حاجت بخواهد و متوسل شود و به توسط سنت، دایره آیه مبارکه را توسعه بدهیم؛ چون اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بقائاً وجود رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند. در اینجا یکی از مفسرین بزرگ اهل سنت نکته‌ای دارد که انصافاً جالب است و خوب است تذکر داده شود و من این مطلب را از او استفاده کردم و انسان باید انصاف داشته باشد و اگر مطلبی را از کسی استفاده کرده، بگوید که از چه کسی استفاده کرده است. نظام الدین نیشابوری در ذیل آیه مبارکه ﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ﴾<sup>۱</sup>.

می‌گوید: طبق این آیه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حافظ امت است از گمراهی: ﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ... وَفِيكُمْ رَسُولُهُ﴾ چگونه می‌شود با وجود قرآن مجید کافر شوید: ﴿عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ﴾، اگر مقصود از خود قرآن باشد. مسلمانان چگونه می‌شود کافر شوند و حال اینکه امان‌هایی دارید که آنان را از ضلالت و گمراهی و کفر حفظ می‌کند؟ این امان‌ها، یکی قرآن است و دیگری رسول الله. سؤال پیش می‌آید که اکنون رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفته‌اند و دیگر وجود فیزیکی ندارند. نظام الدین نیشابوری می‌گوید در اینجا باید به اهل بیت آن حضرت رجوع کرد و تا وقتی که اهل بیت ایشان هست و

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

قرآن هست، مردم کافر نمی‌شوند.<sup>۱</sup> این کلام نظام الدین نیشابوری مفسر سنی است. او می‌گوید: نور رسول الله و حقیقت پیغمبر اکرم، نزد اهل بیتش محفوظ است. کلمه «رسول» را در «فیکم رسوله» توسعه می‌دهیم؛ کما اینکه در اصول در بحث خبر واحد، به آیه مبارکه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»<sup>۲</sup>. در این آیه رسول را به معنای حجت می‌گیرند، اعم از شخص رسول الله ﷺ و یا هر حجت دیگری از ائمه معصوم (علیهم الصلوة والسلام). خوب اینها ظرایفی است. این نکته جالب در تفسیر نیشابوری آمده است.

وهابیون سنگ قرآن را به سینه می‌زنند و می‌گویند ما شیعیان اهل قرآن نیستیم و ما را متهم می‌کنند که کاری با قرآن نداریم. می‌گویند ما شیعیان، نه قرآن می‌خوانیم، نه آن را حفظ می‌کنیم و نه تفسیرش را بلدیم! حتی قائلند که ما به تحریف قرآن اعتقاد داریم! همه این اتهامات را به ما نسبت می‌دهند تا بگویند شیعه اهل قرآن نیست، آنها اهل قرآن‌اند. حالا این قرآن! پس مطلب چیز دیگری است. هدف آنان دشمنی با خود پیغمبر اکرم ﷺ است. اینها پیرو معاویه‌اند. آیا معاویه نگفت کاری باید بکنم که اسم پیغمبر اکرم از اذان برداشته بشود: «لا والله إلا دفناً دفناً»<sup>۳</sup>. معلوم می‌شود این وهابیان با خود پیغمبر اکرم ﷺ و با خود اولیای خدا دشمنی دارند، حتی با اولیایی که نزد اهل سنت مورد قبول‌اند و نزد ما مورد قبول نیستند، با آنها هم بدند؛ حال اینکه همه فرق برای خودشان اولیایی دارند. وهابیت مکتب و مذهب نیست، یک

۱. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان: نظام الدین نیشابوری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. سوره اسراء، آیه ۱۵.

۳. مروج الذهب و معادن الجواهر: مسعودی، قم: دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۴۵۴.

حزب و گروه است، یک جریان است که تأسیس شد و قطعاً این را می‌دانید و درباره‌اش مطالعه کرده‌اید. داستان چیزی دیگر است.

ما از حضرت آیت الله العظمی آقای مکارم(دامت برکاته) و از مسئولین این مؤسسه، از مدیران و استادان تشکر می‌کنیم که این کار (پرداختن به فرقه وهابیت و شبهات آنان) را به عهده گرفتند. این کار در این زمان بسیار ضروری است. ضرورت و اولویت این کار قابل بحث نیست و یک تکلیف الهی است. نمی‌دانم به حج یا عمره مشرف شدید؟ اگر مشرف نشده باشید، از کسانی که مشرف شده‌اند، شنیده‌اید که در بقیع و در غیر بقیع و عمدتاً در بقیع، یک افغانی، با حجاج فارسی‌زبان، یک هندی با هندی‌ها، یک آفریقایی به زبان خودشان، یک عرب با زبان عربی صحبت می‌کند. این افراد را آنجا تربیت می‌کنند، از کشورهای مختلف با برنامه.

آماری را دیدم که در این دوره‌های گمراهی و ضلالت افراد را از کشورهای مختلف می‌برند و در آنجا به آنها آموزش می‌دهند و آنها را در بلاد منتشر می‌کنند. آن وقت ما کار منسجمی نداریم که در مقابل آنها افرادی تربیت بشوند، حقایق گفته و شبهات دفع شود. این کار خیلی ضرورت دارد. تربیت افرادی برای وهابیت‌شناسی مرحله اول کار است و بایستی دوره‌های مکرر، با امکانات بیشتر و افراد بیشتر تشکیل شود. الحمدلله در حوزه علمیه فضلالی فراوانی هستند که می‌توانند در این جهت هم تخصص پیدا بکنند و این موضوع به‌عنوان یک وظیفه باید به احسن وجه برگزار بشود. مطلبی که بنده می‌خواهم در اینجا تذکر بدهم، این است که وهابی‌ها چند مسئله بیشتر ندارند: مسئله توسل، مسئله شفاعت، مسئله زیارت قبور و بناء علی القبور و مسائلی مانند اینها، ولیکن آنچه ما با آنها بحث داریم، در مباحثی است که به توحید و مبدأ و معاد برمی‌گردد و یا مباحث مربوط به امامت و ولایت است که بناست آقایان در این قسمت نیز در این مؤسسه تخصص پیدا کنند به خصوص مباحث امامت مرکز اختلاف بین ما و آنهاست؛ چون وهابی‌ها قائل‌اند به امامت شیخین، بعد از پیغمبر

اکرم ﷺ. در آن جهت نیز باید کار شود و ادله و شبهات آنها بررسی گردد و ما هم به کیفیت بحث و استدلال با آنها باید بپردازیم. آن موضوع دیگری است که وسیع تر از این چند مسئله است. آن مسائل، مسائل خاص خود وهابیت است، ولی در مسئله امامت و ولایت و مبانی اعتقادی، آنان با جمهور اهل سنت توافق نظر دارند. خداوند متعال شما را در این مسیر ثابت قدم بدارد و توفیق بیشتری عنایت کند. هر یک از شما به سهم خود در آینده می تواند دوره هایی را در این زمینه ها تشکیل بدهد. خداوند متعال همه ما را در مسیر حق، در مسیر قرآن و عترت، ثابت قدم و موفق بدارد تا بتوانیم به وظایف خود به احسن وجه قیام کنیم و مورد عنایت و لطف و دعای ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده باشیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی